

مرگ شاه ۹ ساله و شتاب زوال امپراطوری ساسانی

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۴

۲۷ اپریل سال ۶۳۰ میلادی (هفتم اردیبهشت) اردشیر سوم، شاه ۹ ساله ایران از دودمان ساسانیان به طرزی مرموز درگذشت و شهربراز، ایران سپهبد (اران به کسر الف اول = ایران) ژنرال نامدار ایران و سرداری که با شکست دادن رومیان، سوریه و فلسطین را به قلمرو ایران بازگردانیده بود و صلیبی را که مسیح بر آن میخکوب شده بود به تیسفون فرستاده بود امور سلطنت را راسا به دست گرفت تا از زوال امپراتوری (ایرانشهر) جلوگیری کند.

۲۷ اپریل سال ۶۳۰ میلادی (هفتم اردیبهشت) اردشیر سوم، شاه ۹ ساله ایران از دودمان ساسانیان به طرزی مرموز درگذشت و شهربراز، ایران سپهبد (اران به کسر الف اول = ایران) ژنرال نامدار ایران و سرداری که با شکست دادن رومیان، سوریه و فلسطین را به قلمرو ایران بازگردانیده بود و صلیبی را که مسیح بر آن میخکوب شده بود به تیسفون فرستاده بود امور سلطنت را راسا به دست گرفت تا از زوال امپراتوری (ایرانشهر) جلوگیری کند. وی قبلا نایب السلطنه اردشیر خردسال بود. برخی از مورخان نوشته اند که شهربراز اردشیر سوم را کشت تا شاه ایران شود.

اردشیر سوم پسر قباد دوم در هفت سالگی و پس از مرگ ناگهانی و مشکوک پدرش به شاهی رسیده بود و چون کودکی بیش نبود، امور حکومت به دست مقامات وقت و در صدر آنان شهربراز افتاده بود که با هم سازش و هماهنگی نداشتند و در میان این مقامات چند مفسد و بداندیش نیز دیده می شد که به قضاوت تاریخ، «در وطندوستی» هم ثابت قدم نبودند و به بقاء میهن، اهمیت زیاد نمی دادند. جامعه ایران نیز هر روز طبقاتی تر می شد و تبعیض بیداد می کرد. در آن دوره، شهربراز نایب السلطنه اردشیر خردسال شناخته می شد. در این شرایط بود که سپهبد «شهربراز» وارد عمل شد تا میهن را که میراث نیاکان بود و نزدیک به ۱۳ قرن از وحدت آن می گذشت نجات دهد و شاید با همین اندیشه، اردشیر ۹ ساله را از میان برده بود و چون فرد شایسته دیگری را در خاندان ساسانیان ندید، بدون اینکه عنوان شاه بر خود بگذارد امور سلطنت را به دست گرفت که حکومت او بیش از ۴۴ روز دوام نیافت و کشته شد. شهربراز پس از شکست ارتش ایران از رومیان در ماههای آخر حکومت خسرو پرویز، از چشم ایرانیان و به ویژه افسران جوانتر ارتش افتاده بود. دلیل دلخوری ایرانیان از شهربراز این بود که فریب امپراتور روم را خورده و در جریان نبرد، واحدهای خود را وارد عملیات نکرده بود. امپراتور روم برای شهربراز یک سند جعلی فرستاده بود که حکایت داشت خسرو پرویز می خواهد او را هم به همان گونه که ژنرالهای دیگر و از جمله «بهرام چوبین» را پراکنده و یا نابود ساخت، از میان بردارد. این سند جعلی، شهربراز را دلسرد و نسبت به جان خود بیمناک ساخت و فعالانه در نبرد شرکت نکرد و موجب شکست ارتش ایران و فرار خسرو پرویز به تیسفون (مدائن نزدیک بغداد و پایتخت امپراتوری ایران در طول ۸ قرن) شد که به میگساری و خوشگذرانی روی آورده بود تا غم شکست را فراموش کند که سران کشور با جلب موافقت پسرش قباد دوم او را

بازداشت و سپس کشتند و قباد را به شاهی برگزیدند.

قباد دوم که در فوریه (بهمن) ۶۲۸ میلادی شاه شده بود با دادن امتیازهای ارضی، موقتا صلح با رومیان را خرید و سپس ۱۸ تن از شاهزادگان ساسانی را کشت تا از دست ملامت آنان از آن عمل خود (دادن امتیاز به رومی ها) آسوده شود و در نتیجه حکومت وی نیز چند صباحی بیش دوام نیاورد. پس از مرگ شهربراز (که نهم ژوئن سال ۶۳۰ میلادی روی داد) سران کشور هریک شاهزاده ای را نامزد مقام سلطنت کرد که بالاخره پوراندخت دختر خسرو پرویز شاه کشور شد. تلاش پوراندخت که بانویی شایسته بود نتوانست از شتاب اضمحلال امپراتوری که رود سند و کوههای پامیر مرزهای شرقی، مدیترانه مرز غربی و داغستان و چین مرز شمال غربی آن را تشکیل می دادند بکاهد و بعدا با سه شکست نظامی از اعراب مسلمان از هم پاشید و با قتل یزدگرد سوم (آخرین شاه ساسانی) در شهر مرو (در خراسان بزرگتر و اینک واقع در جمهوری ترکمنستان) در سال ۶۵۱ از میان رفت پیروز پسر یزدگرد سوم برای گرفتن کمک از امپراتور چین به این کشور رفت ولی موفق به دریافت کمک نظامی آنچنانی نشد. پیروز به ایران خاوری بازگشت ولی شمار بدخشانی ها (تاجیک ها) که به او وعده نبرد با اعراب را داده بودند چندان زیاد نبود که خطر جنک کند. تاجیک ها پس از او، تنها موفق شدند که زبان فارسی، آیین های ملی ایرانیان و فرهنگ ایرانی را حفظ و به ایران مستقل بعدی بازگردانند که زنده مانده اند و از این بابت، همه ایرانیان و ایرانی تبارها باید مدیون و قدردان تاجیکیان (پارسیبانان = فارسیوانان) باشند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۷۱۲/5-مرگ-شاه-۹-شتاب-ساله-۹-شاه-مرگ-۲۲۷۱۲>